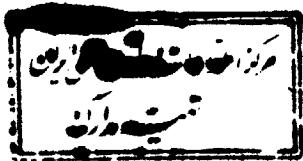
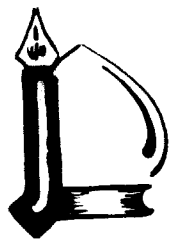




بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شرح استقامت و تمیز کلام استقامت
 شرح استقامت و تمیز کلام استقامت
 شرح استقامت و تمیز کلام استقامت
 شرح استقامت و تمیز کلام استقامت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه فردوسی مشهد
دانشکده الهیات و معارف اسلامی شهید مطهری

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد

رشته فلسفه و کلام اسلامی

۵ / ۲

الإشارات والنسيات

اثر: حجة الحق ابن سینا .

شرح: خواجه نصیر الدین طوسی .

استاد راهنما :

فیلسوف کرامت قدرسد جلال الدین اسپینانی

استاد مشاور :

دکتر محمود فاضل (یزدی مطلق)

ترجمه و تفسیر متن و شرح نطهای چهارم، پنجم و ششم

محمد علی جوان

سال تحصیلی: ۱۳۷۵-۷۶

بِسْمِ اللَّهِ
تَشْكُرُ وَقَدَّرَ لِي

در ابتداء خداوند متعال که در دو عالم در یک جدم که با لطف و عنایت خود تو را
در جلا آستانه مقدر حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام این عطا فرمود
حضرت نیز این مقام غریب را پذیرا گردید که گوییم خوشتر از برکات تو
با توجه به حدیث شریف **مَنْ عَلَّمَنِي حَرْفًا فَقَدْ صَبَّرَ لِي عَبْدًا** حاد را طایفه
ارتیب محترم که در دو عالم کارشمار است این حقیر را در جهت کتب و تالیفات
فرمودند خصوصاً از ارتیب معزز را بنما علامه فزانه شهید جدال الیه استیانت در خفا
دکتر محمود فاضل در تهیه و تنظیم این کتاب نامه تشکر و قدر در حق

توفیق روز افزون طایفه سرمدان کلاس را در جهت ترویج معارف اسلام در دهگان
اینجا تمام شد . دارم .

وَالسَّلَامُ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ

محمد علی جوان

دی ماه ۱۳۷۵

مقدمه

احمدالله علی حسن توفیقه و أسأل الله هداية طريقه و الهام الحق بتحقيقه و ان یصلی علی المصطفین من عباده لرسالته، خصوصاً علی محمد و آله. ایها الحریص علی تحقق الحق انی مُهدِالیک فی هذه الاشارات و التنبیها اصولاً و جملاً من الحکمة ان اخذت الفطانة بیدک سهل علیک تفریعها و تفصیلها.

خداوند را بر توفیق نیکویش ثنا می گویم و از او هدایت راهش را خواهانم و الهام حق را چنانکه او داند خواستارم. و اینکه بر بندگان برگزیده اش، خصوصاً بر محمد و خاندانش بخاطر رسالتشان پیوسته درود بفرستد ای کسی که در رسیدن به حق آزمندی در این کتاب اشارات و تنبیها قواعد کلی و سخنانی از حکمت و فلسفه به تو هدیه کردم که اگر تیزهوشی را به چنگ گیری، بیرون آوردن جزئیات و اجزای آن بر تو آسان خواهد بود. (۱)

رساله حاضر مشتمل است بر ترجمه و تفسیر متن و شرح خواجه نصیرالدین طوسی بر کتاب اشارات و تنبیها شیخ الرئیس ابوعلی سینا که هر دو از استوانه های حکمت مشاء و از نوابغ روزگار خود بوده اند ابن سینا شارح بزرگ سخنان و آراء ارسطو و رئیس حکمای مشاء است او مؤسس بسیاری از اصول و قوانین محکم و متقن فلسفه و مرجع مطلق علم طب و فلسفه و حکمت است خواجه نصیر را نیز استاد بشر و عقل حادی عشر نام نهاده اند او در تمام علوم و بخصوص فلسفه، کلام، ریاضیات، هیأت و نجوم ملجاء و مرجع علماء و دانشمندان معاصر خود بوده است.

زندگی، آثار، آراء و افکار هر یک از این دورکن رکن حکمت الهی تفصیلی را می طلبد، که این مختصر گنجایش آنرا ندارد.

سبکی را که برای ترجمه و تفسیر این کتاب برگزیده ایم کاملاً بدیع و تازه است. آنچه

به عنوان تفسیر بیان شده مشتمل بر دو بخش است. بخشی که در لابلای متن و مابین هلالین قرار گرفته و چنان با مطالب اصل کتاب تلفیق گشته است که خواننده‌ای که متن را بدون توجه به علامت هلالین بخواند به هیچ وجه نمی‌تواند. مابین مطالب اصل و مطالب شرح و تفسیر از نظر پیوستگی عبارت و ربط مفاهیم فرق بگذارد و از طرف دیگر اگر مطالب مابین هلالین برداشته شوند متن اصلی کتاب نیز کاملاً مفهومی و مطابق با کلمات و عبارات شیخ الرئیس و شارح بزرگ کلام او یعنی خواجه نصیر می‌باشد و ما به عنوان نمونه بخشی از صفحه اول کتاب را به دو صورت مختلف نقل می‌کنیم:

«خواجه می‌فرماید: در این نمط (مقصود شیخ از) وجود، همان وجود مطلق (مفهومی است که در ذهن با آن انس داریم، نه وجود سعی خارجی و این وجود مفهومی، لازم واحد و عامی) است که بر (ملزومات متعددی مانند) وجودی که علت ندارد (یعنی باری تعالی) و بر وجود معلول (یعنی ماسوی الله) به نحو تشکیک حمل می‌شود و آنچه بر اشیاء مختلف به نحو تشکیک حمل شود، نه عین ماهیت آن چیز است و نه جزئی از ماهیت آن (چرا که اگر عین یا جزء یک ماهیت باشد باید بر ماهیت دیگر حمل نشود) بلکه فقط عارض بر آن ماهیت است (و از آنجا که هر امر عرضی نیازمند علتی است) پس مفهوم عام وجود نیز معلول و مستند به علتی می‌باشد (که علت آن همین ملزومات و وجودات خاصه است، بطوری که اگر اینها نبودند مفهوم وجود نیز در ذهن ما پیاده نمی‌شد) به همین جهت شیخ (در عنوان این نمط) گفت: «درباره وجود و علت‌های آن.»»

ترجمه متن اصلی کتاب با حذف مطالب داخل هلالین چنین خوانده می‌شود:

در این نمط وجود، همان وجود مطلق است که بر وجودی که علت ندارد و بر وجود معلول به نحو تشکیک حمل می‌شود و آنچه بر اشیاء مختلف به نحو تشکیک حمل شود نه عین ماهیت آن چیز است و نه جزئی از ماهیت آن، بلکه فقط عارض بر آن ماهیت است. پس مفهوم عام وجود نیز معلول و مستند به علتی می‌باشد. به همین جهت شیخ

گفت: «در باره وجود و علت‌های آن».^(۱)

به این ترتیب نه تنها متن کتاب اشارات با حفظ اصالت و مستقیماً در دسترس خواننده قرار گرفته است، بلکه تفسیر مطالب نیز همراه متن بدون انقطاع و بریدگی عرضه شده است و این پیوستگی در درک و فهم مطالب این کتاب مشکل ایجاد سهولت می‌کند. بخش دوم از تفسیر، مطالبی است که به صورت پاورقی ذکر شده است. این مطالب مرتبط با مطالب متن بوده و از آثار ابن سینا و سایر حکماء اعم از مشاء و غیر آن انتخاب گردیده است. البته ذکر این نکته نیز ضروری است که در پاورقی‌ها از نظرات صاحب محاکمات یعنی قطب‌الدین رازی شارح دیگر اشارات بیش از همه استفاده شده است. پیرامون این رساله ذکر چند نکته ضروری به نظر می‌رسد.

۱ - مطالبی که بین هلالین قرار گرفته غالباً استنباط شخصی حقیر از کلام شیخ یا خواهی می‌باشد که پس از تفکر و تدبیر مداوم و انس طولانی با کتاب حاصل شده است، محققاً آنچه در این استنباط مؤثر بوده مطالعه آراء و عقاید شیخ الرئیس و دیگر فلاسفه عظام و همچنین استفاده از محضر استاد علامه سیدجلال الدین آشتیانی و دیگر اساتید عظام بوده است. خداوند به همه حکمای الهی که پیشگامان پاسداری از سنگرهای ایدئولوژیک و محافظت از میراث فکری و فرهنگی مسلمانان می‌باشند، جزای خیر دهد.

۲ - در شرح خواهی آنگاه که به قسمتی از کلام شیخ اشاره شده است ما نیز عین آن قسمت از عبارت را همراه با ترجمه آن ذکر کرده‌ایم بدین صورت که متن را از ترجمه با خط تیره جدا نموده‌ایم.

۳ - سعی ما بر آن بوده است که در تفسیر عبارات به مذاق حکمای مشاء سخن گوئیم و از بیان نظرات پیروان حکمت اشراق و فلسفه صدرائی خودداری کنیم بطوریکه عبارات ما با مبانی فکری حکمت مشائی در تناقض نباشد.

۴- حتی الامکان سعی شده است بجای انواع و اقسام ضمائر، مرجع آنها گذاشته شود تا معنی عبارت روشنتر گردد و در عین حال جانب امانت در ترجمه را نیز حفظ کرده‌ایم.

۵- منبع اصلی ما در این ترجمه، کتاب اشارات و تنبیهات سه جلدی است که طبع اول آن در مطبعه حیدری در سال ۱۳۷۹ هـ و طبع دوم آن در مطبعه آرمان در سال ۱۴۰۳ هـ توسط دفتر نشر کتاب به انجام رسیده است.

۶- هر چند افرادی همچون عبدالسلام فارسی و دیگران در طول تاریخ به ترجمه یا ترجمه و شرح عبارات شیخ الرئیس پرداخته‌اند لکن اثر حاضر در حد خود دارای دو مزیت قابل توجه است، اولاً ترجمه‌های قدیمی - که ما جز از ترجمه عبدالسلام فارسی اطلاعی در دست نداریم - به زبان فارسی قدیم و برای خواننده امروزی نا مفهوم است و اساساً هر گونه ترجمه‌ای از کتاب اشارات به تنهایی نمی‌تواند خواننده را به مقصود شیخ نزدیک سازد مگر اینکه در لابلای آن توضیحاتی برای روشن سازی متن بکار رفته باشد و این چیزی است که بخشی از تفسیر ما را تشکیل می‌دهد و ثانیاً: خواجه بزرگوار در شرح خود بر کلام شیخ مطالب را به تفصیل بیان داشته و در موارد زیادی شبهات فخر رازی را نیز مطرح و به آنها پاسخ گفته است و اینها حجمی چند برابر متن اصلی را تشکیل می‌دهند و تا آنجا که ما اطلاع داریم کسی به ترجمه و شرح این مباحث نپرداخته، لذا لازم و ضروری بنظر می‌رسید که خوانندگان با آراء و عقاید خواجه علیه الرحمه و فخرالدین رازی نیز آشنا شوند و بدانند که چگونه خواجه عظیم الشان در برابر موج شبهات فخر رازی که موجبات افول فلسفه مشاء را فراهم آورده بود، ایستادگی کرده و به آنها پاسخ گفته است و این نیز چیزی است که در این رساله مورد عنایت قرار گرفته و سعی شده کلام خواجه، شبهات فخر رازی و پاسخ خواجه به این شبهات به نحوی گویا و روان همراه با شرح و تفسیر بیان گردد.

۷- هر چند معتزیم که می‌توان درباره هر یک از نطحات این کتاب رساله‌ای

جداگانه نگاشت، اما این نکته را نباید از نظر دور داشت که شرح و توضیح مطالب از لحاظ حجم به مقتضای مقام بوده و ما از اینکه حجم بسیار زیادی را به این کار اختصاص دهیم معذور بوده‌ایم.

۸ - قسمتی از شرح و تفسیر که در پاورقی آمده و غالباً برگرفته از آثار سایر حکماء می‌باشد، به تناسب ارزش و اهمیت مباحث موجود در متن و شرح بوده است. بنابراین در بعضی موارد که مباحث به عقیده نگارنده از اهمیت خاصی برخوردار نبوده است، مانند مباحث مربوط به فلکیات در نمط ششم، این قسمت از شرح حذف گردیده است.

۹ - در انتهای بعضی از مطالبی که در پاورقی ذکر شده، حرف (م) نوشته شده است که این مباحث حاصل تأمل در متن کتاب بوده و از کتاب یا مرجع خاصی اخذ نگردیده، بلکه مطالبی بوده است که از محضر اساتید فن و آثار ایشان استنباط شده است.

۱۰ - برای مطالب هر فصل عنوانی انتخاب و داخل کروشه قرار داده شده است.

نظری بر کتاب اشارات

الف - معرفی کتاب اشارات و شرح آن:

این سینا کتاب «الاشارات و التنبیهات» را در اواخر عمر خویش و ظاهراً به عنوان آخرین اثر مهم خود با دقت کامل و نظمی وافر و بازبانی دقیق و عباراتی موجز به رشته تحریر درآورده است. این کتاب در عین ایجاز رئوس مباحث فلسفی را در بر دارد و از مقایسه آن با دیگر آراء و آثار او معلوم می‌شود که در آن مخصوصاً به انتخاب الفاظ و فصاحت و حسن عبارت توجه داشته است.

شیخ این کتاب را اجل کتب خود می‌دانسته تا آنجا که نسخه آنرا همیشه با خود می‌داشته است چنانکه در نامه‌ای که احتمال داده‌اند در سه سال آخر حیات خود نوشته باشد، می‌فرماید: «واما تحزنه علی ضیاع التنبیهات و الاشارات فعندی ان هذا الکتاب

توجد له نسخة محفوظة»

خواجه نصیر، شارح بزرگ اشارات، در اول شرح خود می‌فرماید: «شیخ رئیس در تألیف این کتاب از جانب خداوند مؤید بوده است چنانکه خود بوعلی رئیس حکما است، این کتاب او نیز در میان دیگر تألیفات او ریاست دارد و چون امام فخر این کتاب را با نظر تعصب شرح کرده و اعتراضات زیادی وارد کرده است به حدی که عده‌ای از فضلا شرح او را جرح نام نهاده‌اند، لازم دانستم که مطالب را مطابق عقیده مؤلف شرح نمایم و از بیان عقیده شخصی خودداری کنم و شبهات امام فخر را چنانکه باید و شاید مرتفع سازم»^(۱) صلاح الدین صندی در الوافی بالوفیات می‌گوید: «خواجه طوسی اشارات را در مدت بیست سال شرح کرد و اعتراضات امام فخر را رد کرده و قاضی القضاة جلال الدین قزوینی روزی از این شرح توصیف زیادی می‌کرد من هم حاضر بودم، گفتم: مولانا کار مهمی انجام نداده است شرح امام فخر را با گفتار سیف الدین آمدی جمع کرده، خودش هم مطالبی به آن دو شرح افزوده است. گفتم من شرح آمدی را ندیده‌ام جواب دادم، شرح او به نام «کشف التمویهات عن الاشارات و التنبیهات است»^(۲).

باری خواجه بزرگوار ما شرح خود بر کتاب اشارات را در سخت‌ترین شرایط نوشت. پس از آنکه بر اثر حملات شدید مغولان ناچار به قلعه الموت قزوین که در حاکمیت اسماعیلیان بود منتقل شد، و در آنجا باقی ماند تا آنکه قلعه‌های اسماعیلیان به دست هولاکو خان مغول فتح شد، در مدت اقامت خویش در این قلعه خواجه شرحی بر کتاب اشارات ابن سینا نوشت. او خود در انتهای نمط دهم می‌فرماید:

«بیشتر این کتاب را در حال سختی نوشتم که سخت‌تر از آن ممکن نیست و اغلب آن را در روزگار پریشانی فکر نگاشتم چنانکه پریشان‌تر از آن پیدا نشود، در روزگاری که هر

۱- اشارات و تنبیها، مطبعة حیدری، ج ۱ ص ۱

۲- به نقل از محمد مدرس، سرگذشت و عقاید فلسفی خواجه نصیرالدین طوسی ص ۱۶۵

لحظه آن آکنده از غصه و عذاب دردناک بود، زمانی بر من نگذشت که دیدگانم اشک نریزد و دلم پریشان نباشد و زمانی نبود که دردهایم اضافه نشود و غمهایم دو چندان نگردد و شاعر چه خوب سروده است که:

به گرداگرد خود چندانکه بینم بلا انگشتی و من نگینم^(۱)

ابن سینا در انتهای این کتاب به مشرب عرفانی گرائیده و بارقه‌ای از حکمت مشرقی را نمایان ساخته است. خواجه نیز در شرح به نحو شایسته‌ای مطابق با ذوق عرفانی و روش اشراقی که با شیخ اشراق بسط و تکامل یافته بوده کلام شیخ را تفسیر نموده است. همچنین داستان سلامان و ابسال را که شیخ به اشاره ذکر کرده است، خواجه به دو وجه و به سبک شیوایی توضیح داده و تشریح کرده است او در شرح مطالب اشارات به قول خود وفا کرده و آراء شخصی خود را ابراز نکرده است مگر در مسأله علم باری تعالی به مخلوقات که ظاهراً کاسه صبرش لبریز شده و عقیده شیخ را رد نموده و با اندکی تصرف بر طریق شیخ اشراق رفته است و همچون او قول شیخ در باب علم خداوند به مخلوقات را نپذیرفته و علم حصولی را در شأن ذات حق که مجرد تام و تمام و کمال مطلق است نمی‌داند البته خواجه در مسئله حدوث و قدم و همچنین در قاعده الواحد نیز رأی تازه‌ای ابراز داشته است.

کتاب اشارات به طور کلی مشتمل بر دو بخش است. بخش منطقی که شامل ده نهج و بخش فلسفه و حکمت که شامل ده نمط می‌باشد. نمط اول که خود مشتمل بر سی و پنج فصل می‌باشد، درباره حقیقت اجسام بحث می‌کند و نمط دوم که مشتمل بر بیست و هفت فصل است درباره جهات اجسام اولیه و ثانویه است و نمط سوم که مشتمل بر سی فصل است درباره نفوس ارضی و سماوی است و این سه نمط مباحث حکمت طبیعی را تشکیل می‌دهد. هفت نمط دیگر آن درباره حکمت الهی و علم ماقبل علم طبیعت بحث

می‌کند نمط چهارم که مشتمل بر بیست و نه فصل می‌باشد دربارهٔ وجود و علل آن بحث می‌کند و نمط پنجم که دارای دوازده فصل است دربارهٔ صنع و ابداع و کیفیت فیضان معلولات از مجردات بحث می‌کند و نمط ششم که چهل و دو فصل دارد در بیان غایات و مبادی موجودات و نظام و ترتیب وجودات است. نمط هفتم مشتمل بر بیست و هفت فصل است و دربارهٔ موجودات مجرد از ماده بحث می‌کند. نمط هشتم دربارهٔ بهجت و سعادت بوده و مشتمل بر نوزده فصل است. نمط نهم در مقامات العارفین و مشتمل بر بیست و هفت فصل می‌باشد و بالاخره نمط دهم این کتاب که دارای سی و دو فصل است، دربارهٔ اسرار آیات بحث می‌کند.

شایان ذکر است که مباحث نمط‌های چهارم تا دهم را می‌توان به دو بخش عمده تقسیم کرد بدین صورت که در نمط‌های چهارم تا هفتم محور بحث مسائل فلسفه و الهیات است. لیکن نمط‌های هشتم، نهم و دهم مشتمل بر مباحثی اخلاقی و عرفانی است.

صاحب محاکمات قطب الدین رازی دربارهٔ وجه حصر این نمط‌ها می‌فرماید:

«شیخ مباحث حکمت الهی را در چهار نمط مرتب نمود، چراکه فلسفه الهی عبارت است از علم به احوال موجودات مجردّه از آن جهت که وجود دارند و بحث از این گونه موجودات، یا بحث از احوال و عوارضی است که بذاتها عارض بر آن موجودات می‌گردد و با بحث از احوال و عوارضی است که مربوط به این گونه موجودات می‌شود، آنگاه که آنها را با معلولاتشان مقایسه کنیم، مباحث قسم اول را در نمط تجرید بیان می‌کند و مباحث قسم دوم نیز یا بحث از موجودات مجرد است از آن جهت که مبادی وجود می‌باشند، که همان نمط چهارم است یا بحث از موجودات مجرد است از آن جهت که اینها غایات هستی‌اند. این گونه مباحث نمط ششم را تشکیل می‌دهد و یا بحث از موجودات مجرد است اما نه از

آن جهت که مبادی هستی یا غایات هستی می‌باشند. این بحث‌ها همان

نمط پنجم است که در آن از نحوهٔ فیضان معلولات از مجردات بحث می‌شود.

اما نمط‌های هشتم، نهم و دهم (که بترتیب دربارهٔ بهجت و سعادت، مقامات عارفان و اسرار آیات می‌باشد)، همچون توابع بحث از الهیات است و مقاصد اصلی حکمت الهی همین نمط‌های چهارگانه‌ای بود که ذکر کردیم^(۱)

عنوان فصول کتاب، غالباً «اشاره» یا «تنبیه» است و در بعضی موارد فصول را با عنوان «تذنیب» یا فائده» یا «و هم و تنبیه» یا «شرح» یا «تکمله و اشاره» یا «زیاده تبصره» یا «مقدمه» و غیر اینها آورده است.

آنجا که شیخ می‌خواهد بر مطلبی استدلال کند و برهانی اقامه کند از عنوان «اشاره» استفاده نموده و آنجا که مطالب، حالت برهانی نداشته و فقط برای تنبیه و آگاهانیدن یا رفع غفلت است، عنوان «تنبیه» را به کار برده و آنجا که بحث دنباله فصول گذشته یا نتیجه آنها باشد، عنوان «تذنیب» را انتخاب نموده است و هر جا به طرح اشکال و پاسخ آن پرداخته از عنوان «وهم و تنبیه» کمک گرفته است. و هر جا مباحث یک فصل جنبهٔ مقدمی نسبت به فصول آینده داشته از عنوان «مقدمه» استفاده کرده و... مرحوم محمود شهبابی در این باره می‌گوید:

«در بیشتر کتب فلسفی شیخ، همان عناوین باب و فصل و مقاله و فن و امثال آن، که معمول بوده به کار رفته است لیکن در اشارات برای تعیین عناوین آن راهی دیگر انتخاب گردیده است. بدینگونه که در قسمت منطق آن به مناسبت اینکه منطق برای رسیدن به حقایق معلوم به منزلهٔ راه است، کلمهٔ نهج که به معنای راه یا راه وسیع است، به کار گرفته شده و در قسمت طبیعی و الهی آن به مناسبت اینکه این قسمت به ویژه قسم الهی آن غذای نیرو بخش عقل و غرض اقصی و مقصد اعلی نفس است، کلمه نمط که به معنی خوان یا خوان گسترده است، عنوان قرار داده شده است.^(۲)»

۱- برگرفته از شرح قطب الدین رازی به شرح خواجه نصیر الاشارات و التنبیهاآت، ج ۳، مطبعه حیدری ص ۱

۲- محمود شهبابی، اشارات (مقدمه) ص ۶.

ب - شروح اشارات

تأمل در کثرت شرحهائی که بر کتاب اشارات نوشته شده است اهمیت این کتاب را در تاریخ فلسفه نشان می‌دهد. شاید کمتر متن فلسفی - منطقی در حکمت اسلامی از چنین اقبالی برخوردار بوده است. البته واضح است که در بیان تمام این شروح شرح نقادانه فخرالدین رازی و خصوصاً شرح استادانه فیلسوف و متکلم بزرگ عالم تشیع خواجه نصیرالدین طوسی از اهمیت خاصی برخوردار است چنانکه سیدالحکماء، آقا محمد کاظم عصار قدس سره می‌فرماید که: اشارات معما است لولا الشرحین. در عین حال ما اهم شروح را در اینجا نقل می‌کنیم.

۱ - شرح ابوالحسن علی بن زید بیهقی مشهور به ابن فندق (۴۹۳ - ۵۶۵) ادیب و حکیم و ریاضی‌دان معروف خراسانی به نام «الامانات فی شرح الاشارات» وی شرحی نیز بر نجات بوعلی دارد به نام «منهاج الدرجات فی شرح کتاب النجاة»^(۲)

۲ - شرح حکیم اوحدالدین علی بن اسحق ابیوردی خاورانی متخلص به انوری (متوفی ۵۸۵ تا ۵۸۷) به نام «البشارات فی شرح الاشارات»^(۳). صاحب ریاض نسخه‌ای از آن را در تبریز دیده است.

۳ - شرح نقدی ظهیر الدین غزنوی مؤلف احیاء الحق (در حدود ۵۷۷ - ۵۱۴ هـ) به نام «مباحث الشکوک و الشبهه علی الاشارات»

۴ - شرح نقدی فخر رازی (۵۴۳ - ۶۰۶ هـ) به نام «الانارات فی شرح الاشارات» فخر رازی متکلم زبردست، خطیب توانا، مفسر معروف و امام المشککین، معروف و

۲- آقا بزرگ طهرانی، الذریعه، ج ۳، ص ۱۱۱، شماره ۳۷۳

۳- دکتر سیدصادق گوهرین، حجة الحق، طهران، نقش جهان - ۱۳۳۱، ص ۴۲۲

مشهور است. (۱)

۵- شرح آمدی، از جمله شروح مهم پیش از خواجه طوسی شرح ابوالحسن ابن علی بن محمد آمدی فقیه و قاضی معروف (۵۵۱ - ۶۳۱ هـ.ق) می‌باشد به نام «کشف التمویهات علی‌الاشارات و التنبیهات» این کتاب در واقع نقد شرح فخر رازی و دفاع از اشارات در مقابل نقدهای فخر می‌باشد. خواجه از این شرح اسمی به میان نیاورده است و این در حالی است که برخی آن را از منابع اصلی شرح خواجه دانسته‌اند (۲) از جمله آنچه قبلاً از صلاح الدین صفدی مؤلف الوافی بالوفیات نقل کردیم می‌باشد.

۶- شرح رفیع الدین جیلی (متوفی ۶۴۱ هـ.ق) (۳)

۷- شرح انتقادی نجم الدین احمد بن ابوبکر بن محمد نخجوانی (۶۴۸ - ۵۸۶). قنواتی در مؤلفات ابن سینا نسخه‌های متعددی از آن را گزارش نموده است. مؤلف الذریعه نام آن را «زبده النقص و لباب الکشف» دانسته و به عنوان ردیه بر اشارات توصیف کرده است. (۴)

۸- شرح خواجه نصیرالدین طوسی (۵۹۷ - ۶۷۲ هـ.ق) متکلم زبردست شیعی، معروف به «حل مشکلات اشارات» بر شرح خواجه، شرح و تعلیق فراوان نوشته شده است. مانند شرح علامه حلی، شرح قطب الدین رازی، حواشی میرسید شریف جرجانی، ملاجلال الدین دوانی. مؤلف الذریعه هفده تعلیق و حاشیه از دانشمندان بر شرح خواجه را نقل کرده است. (۵)

۹- شرح ابن کمونه: عزالدوله سعدبن منصور مشهور به ابن کمونه متوفای (۷۱۱ -

۱- مقدمه خواجه بر شرح اشارات، ج ۱، ص ۲ و ۳

۲- محمد مدرسی زنجان، سرگذشت و عقاید خواجه طوسی، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۳ ص ۱۶۵

۳- حاجی خلیفه، کشف الظنون، استانبول، معارف، ۱۹۴۱، ج ۱، ص ۹۵

۴- الذریعه، ج ۲، ص ۹۷

۵- الذریعه، ج ۱، ص ۱۱۱ - ۱۱۳

- ۶۳۶ هـ) به نام «شرح الاصول و الجمل من مهمات العلم و العمل»^(۱)
- ۱۰ - شرح شمس الدین محمد بن اشرف سمرقندی (۶۳۸ - ۷۰۴)^(۲)
- ۱۱ - شرح ارموی: قاضی سراج الدین محمود بن ابی بکر ارموی صاحب مطالع، متوفای ۶۸۲^(۳)
- ۱۲ - شرح نسفی: امام برهان الدین محمد بن محمد النسفی متوفای ۶۸۸^(۴)
- ۱۳ - شرح اول علامه حلّی (۶۴۷ - ۷۲۶)، «ایضاح المعضلات من شرح الاشارات» نام دارد.^(۵)
- ۱۴ - شرح دوم علامه حلّی «بسط الاشارات» نام دارد.^(۶)
- ۱۵ - شرح سوم علامه «الاشارات الی معانی الامارات» نام دارد.^(۷)
- ۱۶ - شرح چهارم علامه «المحاکمات بین شراح الاشارات»^(۸)
- ۱۷ - شرح شیرازی: علامه قطب الدین محمود بن مسعود بن مطلق شیرازی شارح حکمة الاشراق^(۹)
- ۱۸ - تستری، بدرالدین محمد بن اسعد بن عبد... یمنی (۶۶۹ - ۷۳۲) از شاگردان قطب الدین شیرازی که مانند استاد، به داوری بین فخررازی و خواجه طوسی پرداخته

۱- حاجی خلیفه، کشف الظنون، ج ۱، ص ۱۰۳

۲- سعید نفیسی، پورسینا، طهران، دانش ۱۳۵۵، ص ۱۱

۳- دکتر غلامحسین یوسفی، مقدمه لطائف الحکمة، طهران، بنیاد فرهنگ، ۱۳۵۱، ص ۱۵

۴- حاجی خلیفه، کشف الظنون، ص ۹۵

۵- الذریعه، ج ۲، ص ۵۰۰

۶- همان

۷- همان، ج ۲، ص ۹۵

۸- دکتر مهدوی، فهرست نسخه های مصنفات بوعلی، ص ۳۶

۹- قنواقی، مؤلفات ابن سینا، مصر، دائرة المعارف، ص ۱۰